

با «قاری رحمت... واضح»، مسلمان اهل سنتی که ۱۴۳ سال پیش به زیارت حرممطهر رضوی آمده است

مبارک سفری از بخارا تا مشهدالرضا(ع)

فریبا فرخدا| کوچه پس کوچه های مشهد قدیم در طول قرن های متمادی، به ویژه از زمان دفن پیکر مطهر حضرت رضا(ع)، آدم های بسیاری را از بلاد دور و نزدیک جهان به خود دیده است؛ آدم هایی که با پای دل آمده اند و با چشم جان آستان مقدس امام هشتم(ع) را به تماشا نشسته اند. در این میان، آنان که دستی بر آتش نوشتن داشته اند، دیده ها و مشاهدات خود را در کتج اوراق کاهی سیاه کرده و به یادگار گذاشته اند. قاری رحمت...! واضح، از شعرا و دانشمندان بنام قرن ۱۳ قمری، یکی از این افراد است که در سال ۱۳۰۳قمری از راه مکه به موطنش، بخارا، باز می گردد اما رحل اقامت پهن نمی کند، از طریق راه سرخس، خودش را به ارض اقدس می رساند و زائر کوی امام رضا(ع) می شود. سطرهای بعدی گزیده ای از گزارش او از مشهد قرن ۱۳۰۰ قمری است.

● اهل سنتی که عاشقانه به زیارت مشهد آمد

یک نکته جالب درباره قاری رحمت...! واضح وجود دارد و آن نکته این است که او اهل سنت است؛ با این همه عاشق امامان شیعه است. آن چنان که پس از زیارت مشهد به عتبات عالیات می رود و چند صبحی را هم در جوار کربلا، نجف و سامرا گذران عمر می کند. او چنان شیدای علی(ع) و پسرانش است که در مسیر کربلا، دو قصیده بلند می سراید و در سفرنامه اش یکی را به امام علی(ع) و دیگری را به امام حسین(ع) تقدیم می کند. او برای امام رضا(ع) شعری نسرده اما متن سفرنامه تاریخی اش پر از جمله هایی است که نشان از عشق و ارادتش دارد. قاری واضح در ماه مبارک رمضان به مشهد می رسد اما چون زمستان بوده است، ماندگار می شود و آن قدر می ماند که نوروز را هم می بیند.

این شاعر و دانشمند علوم اسلامی هم مثل همه زائران قدیم، پیش از ورودش به مشهد، گنبد مطهر حضرت را از روی تپه سلام مشاهده و آن را این طور توصیف می کند: «روز جمعه بعد از طی دو فرسخ راه، به موضعی رسیدیم که مستقا به تپه سلام است و آن تلی ((تپه)) است مختصر که از بالای آن، گنبد طلای حضرت امام ضامن غریبان نمودار می گردد، همه رفقا و زوار از اسب ها پیاده شده، بر بالای تل مذکور برآمده، گنبد فیض آثار آن بزرگوار را مشاهده نمودیم که مثل آفتاب می درخشید. سلام بر آن حضرت فرستاده، از دور زیارت نمودیم، ازاین موضع تا مشهد مقدس سه فرسخ راه بود. سوار شده، به تعجیل و شوق تمام تا بعد ظهر همان روز جمعه که اؤل ماه مبارک رمضان المبارک بود و مردم شهر همه صائم بودند، تاختم تا اینکه داخل بلده طیبه رضویه ((سرزمین پاک رضوی)) ا شدیم.»

این مسافر زائر، گرد راه از تن نتکانه، بی آنکه لحظه ای استراحت کند، دوان دوان خودش را به حرم مطهر می رساند و آداب زیارت را به جا می آورد. او پس از این، به تماشای حرم مطهر رضوی می نشیند و هر آنچه را می بیند، توصیف می کند. توصیف قاری واضح از گنبد طلای حرم آغاز می شود که شنیده است ۷ هزار و ۷۷۷ خشت طلا در آن نصب کرده اند. از کنار سقاخانه اسماعیل طلای می گذرد و به مسجد گوهرشاد می رسد؛ «و در جانب شرقی صحن کهنه، ایوان کاشی کاری است که از بناهای شاه عباس صفوی ماضی است و در پشت ایوان مذکور که طرف شرقی می باشد، مدرسه میرزا جعفرخان است که در خوبی عمارت و کاشی کاری از مشاهیر مدارس است. حجرات آن دو آشیانه است و اوقاف آن زیاده بسیار است و طرف شمالی حرم مدرسه پربردار، کنیز گوهرشاد خانم است و آن مدرسه بر سر بازار که چت فروشی ((احتمالا چیت فروشی)) است، واقع شده و از درون مسجد گوهرشاد راهی باریک است که به درون صحن نو داخل می شوند و در این راه باریک، خانه ای است بزرگ که مرقد شیخ بهاء الدین عاملی صاحب خلاصه الحساب در آنجا است.»

● آینه کاری حرم و قصه خواب دیدن هنرمند آینه کار
آینه کاری های حرم مطهر یکی از جاذبه هایی است که این سیاح بخارایی را حیران کرده است، آن چنان که از نام و نشان آینه کاری می پرسد. یکی از خدام هم برایش تعریف می کند که گویا استادی که این کار را انجام داده، به دستور امام رضا(ع) مأمور این کار شده است. ماجرا از این فراتر است که این آینه کار، امام رضا(ع) را شبی در خواب می بیند و از او می خواهد تا بخشی از هنرش را در حرم مطهر به یادگار بگذارد؛ «و دیوارهای اطراف ضریح امام، آینه کاری است و بالای آینه ها، نقش ها و گل های بدیع وضع کرده اند که مهندس عقل از آن حیران می ماند و ابزار دیوارهای حرم به قدر قامت آدمی بالا، کاشی کاری و طلا کاری و مینا کاری کرده اند که همه اتفاق دارند که هرگز به این قسم مینا و کاشی مقدور کسی از استادان ماهر نمی باشد. حکایت و استاد این کار در خواب از طرف آن جناب مأمور شده که حیف دریغ از هنرمندی و صنایع تو که به جهت

● دفن میت در صحن عتیق

اود را این گشت و گذار ها به چند نکته جالب اشاره می کند که در سفرنامه دیگر سیاحان چندان به آن ها پرداخته نشده است. نخستین آن ها این است که خبر از دفن اموات در صحن عتیق می دهد و مردمی که بر سر مزار عزیزانشان فرش پهن کرده اند و مشغول گریه هستند؛ «و روی این صحن ها همگی قبرهای مردم است که به جهت تیمن بر سر راه زوار و جوار بزرگوار، جسد خود را فرش نموده، خوابیده اند و بر بالای هر قبری، قطعه سنگی نهاده نام صاحب قبر را بر آن نقش نموده اند.»

● پردهای با نخ های طلا و نقره

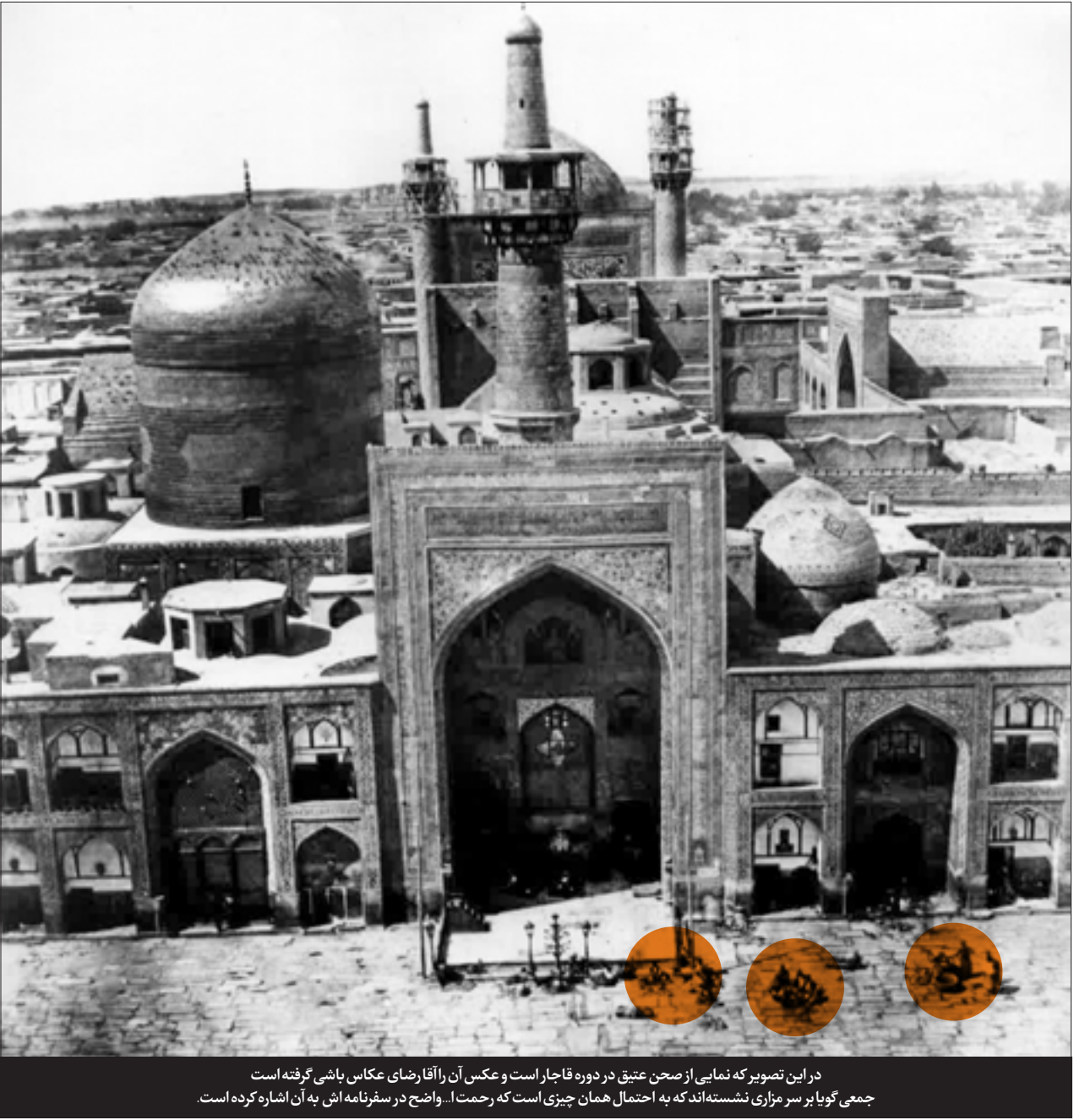
توصیف روضه منوره و پرده جواهری که بر بالای ضریح مطهر کشیده اند، از دیگر سطرهای جذاب سفرنامه واضح است. او می نویسد که مرقد امام رضا(ع) از طلای خالص است و بر آن پرده ای جواهر دوزی است که نخ های آن از

تصویری نادیده و نادر از سنگاب مسجد گوهرشاد

مرضیه ترابی| سنگاب قطعه سنگی یکدست و تراشیده شده به شکل طرفی بزرگ است که در گذشته آن برای نگهداری آب استفاده می کردند. دلیل این بهره برداری، بهداشت بودن سنگاب ها و قابلیت آن ها برای حفظ کیفیت آب نسبت به موارد مشابه بود. در حرم رضوی، استفاده از سنگاب پیشینه ای طولانی دارد. قدیمی ترین سنگاب حفظ شده در حرم مطهر امام رضا(ع)، امروزه با نام «سنگاب خوارزمشاهی» در ورودی موزه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می شود و میراث مهم تاریخی مربوط به دوره پیش از حمله مغول است. از دیگر سنگاب های شناخته شده و موجود حرم، می توان به سنگاب سقاخانه اسماعیل طلائی (دوره افشاریه) و سنگاب سقاخانه صحن نو (دوره قاجاریه) اشاره کرد. وجود دو سنگاب اخیر در حرم رضوی و کیفیت نصب و نگهداری آن ها، این ذهنیت را ایجاد می کند که اصولا باید بر فراز این ابزارهای نگهداری آب، به دنبال سازه های کلاه فرنگی مجلل باشیم. اما انتشار تصاویر جدید الیوم های کاخ موزه گلستان، این ذهنیت را تا حدود زیادی بر طرف کرد. در یکی از این عکس ها که در الیوم شماره ۱۴۲۹ نگهداری می شود و امروز سوژه مطلب پیش روی شماست، سنگابی نصب شده در ضلع جنوبی مسجد گوهرشاد مشاهده می شود و بر فراز آن سایبانی - احتمالا از جنس کرباس - قرار داده اند. عکس مذکور که حاصل طبع هنری عبدا... قاجار است، نشان می دهد که

فتو حرم

چهارشنبه های مطالع



در این تصویر که نمایی از صحن عتیق در دوره قاجار است و عکس آن را آقایای عکاس یاهی گرفته است

جمعی گویا بر سر مزاری نشسته اند که به احتمال همان چیزی است که رحمت...! واضح در سفرنامه اش به آن اشاره کرده است.

طلا و نقره است. واضح حتی ارزش ریالی این پرده را هم می پرسد و می گوید که «قیمت آن را ۷ هزار تومان گفته اند.» او در ادامه نیز دیگر اشیای بالای ضریح را که گویا برای عموم رؤیت پذیر بوده است، این طور توضیح می دهد: «قرانی بسیار مزین و مکتوب به خط خوب بر بالای سر ایشان ((بر بالای ضریح)) نهاده ۷ هزار تومان، شمشری مرضع به جواهر، قیمت آن نیز ۷ هزار تومان.»

● ۷ متریق در داخل ضریح

واضح در داخل ضریح نیز هفت کفن را که روی آن ها عبارت قرآن نقش خورده است، می بیند و می گوید که «هرسال، نوروز، این کفن ها را که برای تبرک و تیمن بر روی قبر مبارک حضرت رضا(ع) گذاشته اند برداشته و برای شاه ایران می فرستند تا در صورت فوت نزدیکان درباری استفاده شود.» البته خادمان آستانه، این هفت کفن را زیر صندوقی که روی سنگ مطهر امام قرار داشته است، می گذاشته اند که هر سال، دوباره جایگزین کفن های قبلی می شده و این کفن های جایگزین شده در صورت عدم نیاز تا سال بعد در ضریح می مانده است. ضریح در سفرنامه واضح نیز چنین بوده است؛ «و از بیرون این قبر، صندوقی دیگر از فولاد جوهردار مرضع به جواهر وضع نموده اند و به جهت حفظ جواهر مذکوره، روی آن را به برنج اندوده اند و از بیرون این صندوق نیز پنجره ای از نقره است.»

منبع، مقاله ای درباره سفرنامه رحمتا...! واضح

باتصیح رسول جعفریان



سنگاب در گوشه صفه مسجد پیرزن در صحن مسجد گوهرشاد پیداست

تاریخ حرم

معمای نخستین ورود

امام رضا(ع) به سناباد



محلہ نوغان. نمایی از سمت حرم مطهر رضوی

دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی

ترابی| در بررسی های تاریخی مربوط به ورود امام رضا(ع) به اراضی سناباد، عموما توجه بر واقعه شهادت آن حضرت تمرکز دارد؛ به این معنا که ما معمولا عادت داریم موضوع ورود امام رضا(ع) به شهادتگاهشان را به عنوان روایت اصلی ورود امام(ع) به این منطقه فرض کنیم و به دیگر شواهد تاریخی توجهی نداشته باشیم. این در حالی است که طبق گزارش های موجود، امام رضا(ع) دو بار به این منطقه وارد شدند؛ یک بار هنگام عزیمت به مرو و بار دوم هنگام خروج مأمون از مرو و ورود وی به کاخ خمید بن قحطبه طائی که نهایتا به شهادت جان سوز ثامن الحجج(ع) انجامید. در این نوشتار مختصر قصد داریم شواهد مربوط به نخستین ورود امام رضا(ع) را به منطقه ای که امروزه مشهد نامیده می شود، بررسی کنیم.

● گزارش تاریخی شیخ صدوق

احتمالا قدیمی ترین گزارش مربوط به ورود نخست امام رضا(ع) به منطقه نوغان و اقامت موقتی آن حضرت در این حدود را شیخ صدوق، محدث نامدار جهان تشیع، در کتاب مشهور «عیون اخبار الرضا(ع)» نقل کرده است.

شیخ در فصول آخر کتاب و ذیل باب «خروج الرضا(ع) من نيسابور الی طوس و منها الی مرو» به اقامت کوتاه امام در این منطقه اشاره می کند و به نقل از «عبد السلام بن صالح هروی»، مشهور به اباصلت هروی، می نویسد: «چون [[امام رضا(ع)] به سناباد وارد شد، تکیه به کوهی که امروزه از آن دیگ سنگی می سازند کرد و گفت: خداوند! این کوه را آن طور قرار ده که از آن نفع برند و برکت ده آنچه در آن می پندد و آنچه از آن می سازند.»

سیس دستور داد که برای حضرت از سنگ آن کوه چند دیگ ساختند و می فرمود، در ظرف دیگری برای من چیزی نپزید مگر در همین ظرف های سنگی.» (*) روایت کتاب عیون اخبار الرضا(ع) درباره ورود نخست آن حضرت به منطقه سناباد، به همین گزارش محدود نمی شود. اباصلت در ادامه روایت خود، تأکید می کند که امام رضا(ع) «دَخَلَ دَارَ خُمَيْدِ بْنِ قُحْطَبَةَ الطَّائِي» (وارد خانه حمید به قحطبه طائی شد)؛ جایی که حدود هفت سال پیش از آن، در سال ۱۹۳ قمری، هارون عباسی درگذشته و مدفون شده بود.

اباصلت می گوید: «[[امام(ع)] با دست مبارکش بر کنار قبر هارون خطی کشید و فرمود: این مکان محل قبر من است و در اینجا دفن خواهم شد و خداوند این مکان را محل زیارتگاه و آمد و شد شیعیان من و دوستانم قرار خواهد داد. به خدا سوگند زائری مرا زیارت نکند و سلام دهنده ای بر من سلام نفرستد جز آنکه آمزش و رحمت خداوند به شفاعت ما اهل بیت(ع) نصیب او گردد.»

● بررسی گزارش

هدف ما بیان این روایت ویژه، بررسی سندیت حدیث یا محتوای آن نیست، بلکه قصد داریم به استناد گزارشی تنظیم شده در حدود سال ۳۵۲ قمری، یعنی قریب به ۱۵۰ سال بعد از واقعه شهادت امام رضا(ع) درباره ماجرای نخستین ورود امام به سناباد و شهادتگاهشان، به دیدگاهی مستند و تاریخی در این باره دست باییم. گزارش دادن ماجرای این ورود و شهرت آن ۱۵۰ سال بعد از شهادت امام رضا(ع)، گواه آن است که شیعیان و احتمالا مردم ساکن سناباد و نوغان، به چنین ورودی باور داشته اند.

در محتوای گزارش، برخلاف برخی گزارش های دیگر - مثلا دیدار خُمَید بن قحطبه با امام رضا(ع) که به دلیل مرگ خُمَید، سال ها قبل از ورود امام به سناباد، چندان محل اعتماد نیست - تضاد های تاریخی به چشم نمی خورد. خانه خُمید محل دفن هارون بود و طبق نظر برخی پژوهشگران، احتمالا اصل بنا، محل استقرار «کنارنگ» (فرمانروای محلی) توس در دوره ساسانی بوده است. این ادعا البته نیازمند بررسی دقیق تری است، به هر حال در سال ۱۹۳ قمری، هارون عباسی که برای سرکوب برخی قیام ها در خراسان، راهی این خطه شده بود، به شدت بیمار شد و مرگ در سناباد، در ۴۷ سالگی، به سراغ وی آمد. او را - ظاهر ا طریق وصیتش - در سرداب کاخ حمید بن قحطبه دفن کردند و این با روایت تاریخی ورود امام رضا(ع) به مکان دفن هارون، مغایرت و تقابلی ندارد.

از سوی دیگر در گزارش اباصلت هروی، به ماجرای دیگ های سنگی اشاره شده است؛ محصولی که فروش بسیار خوبی در نوغان داشت و ظاهرا حتی پیش از ورود اسلام به این منطقه نیز، ساخته و عرضه می شد. طبق گزارش اباصلت، امام استفاده از این ظروف را که امروزه در مشهد با عنوان «هرکره» (هرکاره) شهرت دارد، سفارش فرمودند و خودشان نیز در آن ها غذا تناول می کردند. با این حال انطباق کوه مورد اشاره در روایت با کوهسنگی مشهور مشهد، نیازمند اسناد و شواهد بیشتری است.

گفتیم که استفاده از این ظروف در محدوده توس قدیم عمومیت داشته است و در نوغان سنگ تراشان خبره ای به این کار اشتغال داشته اند.

پی نوشت:

* ترجمه فرازهایی از کتاب شریف عیون اخبار الرضا(ع) از متن ترجمه جلد دوم این کتاب به قلم علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید گرفته شده است.

